

سپیده دم

دوس حصہ میر

نماد جنبش و مقاومت  
تو را «جنوب» نامیدم  
ای که ردای حسین را بر دوش پیدروی از آرمان‌های سیدالشهدا و الگوپذیری از واقعه‌ی کربلا و خورشید کربلا را در بر داری  
ای سرخ گل که فداکاری پیشه کردی  
ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان بَرین\*

بیویند خورده‌ای) اشاره به قیام آزادی خواهان لبنان که کاملاً دینی و آیینه‌تنه با ارزش‌های مذهبی پوده است

سُرْزَمِينِ قدس حاکی حاصلِ خیز دارد و حاستگاه پیامبران پوده است  
خوشة‌های گندم می‌روید  
پیامبران بر می‌خیزند

三

[تورا جنوب ناميدم] **تشخيص**  
[ای کشتی های صیادی که مقاومت پیشه کرده ايد] **(در کمین دشمن هستيد)** [رکیب: **اشفای**]  
ای ماهی دریا که مقاومت پیشه کرده ای

ای دفترهای شعری که مقاومت پیشہ کرده‌اید) درباره‌ی پایداری می‌سرایید

ای روزهای عاشورا [ ] کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا  
..... موجود در جنوبی لبنان راه مقاومت پیش گرفته‌اند و  
هر روز را عاشورا کرده‌اند \*\*\*



۱۷۳- معنی چند واژه درست است؟

- (مزیع: مسخر کردن) (عنان: دهانه) (هیئت: شکوه و عظمت) (تكلف: خودنمایی و تجمل) (جند: انجمن)  
 (خور: شاخه‌ای از دریا) (رستخیز: بعث) (عرش: سریر) (کفاف: با کفايت)

۱) پنج      ۲) شش      ۳) هفت      ۴) هشت

۱۷۴- در همه گزینه‌ها به جز بیت گزینه ... استعاره به کار رفته است.

- ۱) بیا که لعل و گهر در نثار مقدم تو / ز گنج خانه دل می‌کشم به روزن چشم  
 ۲) طرفه با غی است گلستان جهان، لیک چه سود / که گل عشرت از این باغ نچیده است کسی  
 ۳) بدخواه وطن، بهر تو دل سوز نگردد / زین گرگ بیندیش، که چویان شدنی نیست  
 ۴) هر که را دارند اندر باغ امکان فرصتی / کاروان عمر باشد رهنورد پیش و پس

۱) ..... (ست)



تو را جنوب نامیدم  
مظہر پاروری، رویش و پر کت  
 تو را آبها و خوشها  
متکیب: اضافی و ستاره غروب نامیدم (از نظر فروزانی و نزد گذری)  
 تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن (در اینجا: پرآمدن)  
انسانی و پیکری در اشتیاق شهادت نامیدم = ای سرخ کل که فدای کاری پیشه کردی  
 تو را انقلاب و شگفتی و تغییر نامیدم  
 تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم

\*\*\*

تو را جنوب نامیدم  
 ای چون سبزه برآمده از دفتر روزگاران  
مجازاً، سختی و رنج  
 ای مسافر دیرین بر روی خار و درد  
 ای چون ستاره فروزان  
 ای چون شمشیر درخشان  
ک: ادای احتمام  
 بگذار بوسه زنیم بر شمشیری که در دستان توست  
 بگذار گرد و خاک قدم‌هایت را برگیریم

\*\*\*

آری شود ولیک به خون جگر شود  
کسی دگر نتوانم که بر تو بگزینم  
بگذشت ده انگشت فرو بردہ به خونم  
از گل و لاله گریز است و ز گل رویان نیست

۱۷۵- همه ایيات با یکدیگر قرابت معنایی دارند به جز ...

- ۱) گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
- ۲) من از تو صبر ندارم که بی تو بنشینم
- ۳) آن کس که از و صبر محال است و سکونم
- ۴) در من این هست که صبرم ز نکو رویان نیست

۱۷۶- در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

- ۱) ظاهرًا چون طبیتی در طینت موجود نیست / زان سبب هرجا که باشی خبث پنهانی کنی
- ۲) گر طمع داری از آن جام مرصع می لعل / ای بسا در که به نوک مژهات باید سفت
- ۳) نفس خسیس حرص خو عاشق مال و گفت و گو / یافت به گنج رحمت از دو جهان فراغتی
- ۴) به تنگ آمد دلش ناگه از این بوم / ز هم پروازی اقران و اشباح

نماد پاکی و طراوت نماد دگرگونی  
ای سرور باران‌ها و فصل‌ها،  
استعاره از .....  
تورا عطری نامیدم که در غنچه‌ها خانه دارد  
تو را پرستو نامیدم نماد پیام آور عشق و آزادی  
ای سرور سروران،  
ای (برترین حماسه!) ترکیب: وصفی

\*\*\*

تاریخ، روزی، روستای کوچکی را  
از روستاهای جنوب به یاد خواهد آورد  
که «معرکه» خوانده می شود.  
روستایی که با «صدر» ش، با سینه اش  
از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد

جاؤد (انگلی) {  
 ۱) امام موسی صدر  
 ۲) سینه  
 (یهام: ۱) نام روستایی ۲) جای هنگامه و کارزار  
 رُادگاه اجداد امام موسی صدر

\*\*\*

۱۷۷- در کدام بیت شاعر مرگ خود را نشانه جاودانگی می داند؟

بجوشد گل اندر گل از گلشن من  
تجلى هستی است جان کندن من  
زنی گر به تیغ ستم گردن من  
همه خوشة خشم شد خرم من

- ۱) به خون گر کشی خاک من دشمن من
- ۲) من ایرانی ام آرمانم شهادت
- ۳) جز از جام توحید هرگز ننوشم
- ۴) کنون رود خلق است دریای جوشان

۱۷۸- درباره تشبیه ایيات زیر، توضیح مقابله کدام گزینه نادرست است؟

در عبارت می نیاید چهره زیبای تو (یک تشبیه)  
چو روز گردد گویی در آتشم بی تو (دو تشبیه)  
نادر است اندر نگارستان دنیا روی تو (یک تشبیه)  
عقلم از شورش چو مجنون است و لیلی روی تو (چهار تشبیه)

- ۱) راستی گویی به سروی ماند این بالای تو
- ۲) شب از فراق تو می نالم ای پری رخسار
- ۳) ای طراوت برده از فردوس اعلی روی تو
- ۴) چشم از زاری چو فرهاد است و شیرین، لعل تو

تدریجی: (اضافی)  
سَرورُمْ! أَيْ سَرورُ أَزَادَكَانْ!

در زمانه سقوط و ویرانی

جز تو، کسی نمانده است

که در زندگی ما نخل و عنبر و تاکستان بکارد \*

جز تو کسی نمانده است؛

مگر تو!

نقاش: مضامالتی

پس درهای امید و روشنایی را به روی ما بگشای!

نقاش: متعمل

نقاش: مقعول

■ «سمفونی پنجم جنوب»، ترجمه محمد شکرچی، ناهید نصیحت و سید هادی

خسرو شاهی، با کاهش و اندکی تغییر، نزار قبانی (۱۹۹۸-۱۹۲۳ م)

۱۷۹- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... هم «و» عطف و هم «و» ربط به کار رفته است.

آن زبی‌باکی و گستاخی است هم  
چند نوشیدی و واشد چشم‌هات  
متحیرم در اوصاف جمال و روی و زیبیت  
که با مستان مجلس در نگیرد زهد و پرهیزت

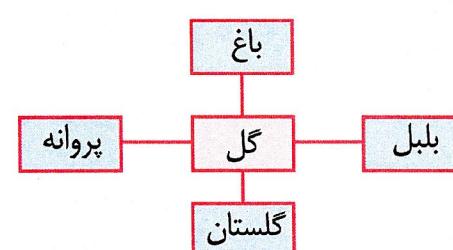
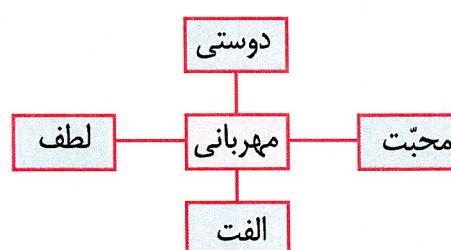
- ۱) هرچه بر تو آید از ظلمات و غم
- ۲) از در دل و اهل دل آب حیات
- ۳) به قیاس درنگنجی و به وصف دنیایی
- ۴) دمادم در کش ای سعدی شراب صرف و دم در کش

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو زبانی

۱ به نمونه‌های زیر، توجه کنید.

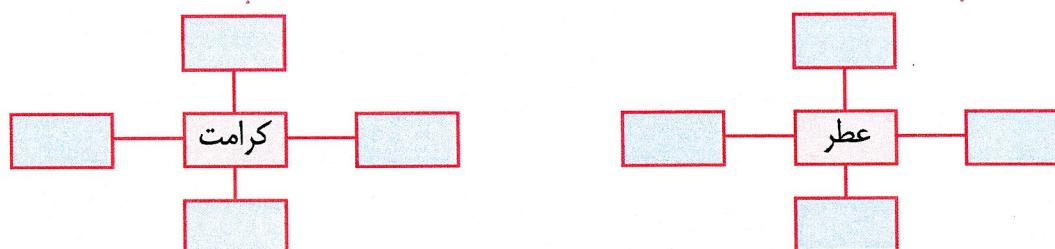
■ بر پایه هم معنایی (ترادف)



اکنون بر پایه نمونه‌های داده شده، نمودارهای زیر را کامل کنید.

ب) ترادف

الف) تناسب



۲ از میان موارد زیر، ترکیب‌های وصفی و اضافی را جدا کنید؛ سپس هسته هر یک را مشخص نمایید.

ستاره غروب، سرور آزادگان، مسافر دیرین، ماهی دریا، برترین حماسه

در مصراج زیر، نقش دستوری اجزای مشخص شده را بتویسید.

«پس، درهای امید و روشنایی را به روی ما بگشای

### قلمرو ادبی

۱ مصراج‌های زیر را با توجه به آرایه‌های «تشخیص، کنایه و تشبيه» بررسی کنید.

■ ای چون سبزه بر آمده از دفتر روزگاران

۱۸۰ - کدام بیت، با مفهوم شعر زیر کاملاً تناسب دارد؟

«هنگام که همتاب آفتاب / به خانه یتیمکان بیوهزنی تابیدی / و صولت حیدری را / دست‌مایه شادی کودکانه‌شان کردی / و از آن دهان که هرای شیر می‌خروشید / کلمات کودکانه تراوید / آیا تاریخ، بر در سرای / به تحریر / خشک و لرزان نمانده بود؟»

- (۱) از صولت او در دل دریا فتد آسیب وز هیبت او در تن کوه افتاد زلزال
- (۲) مهر تو ز بهشت دارد قدر خشم تو صولت سقر (جهنم) دارد
- (۳) گر مهر و رحمت او اندر میان نبودی بسیار سوختی دل، بسیار ریختی خون
- (۴) ای که دهر از هیبت تیغ تو دارد اضطراب ای که چرخ از صولت قهر تو دارد ارتعاش

■ ای کشتی‌های صیادی که مقاومت پیشه کرده‌اید!

■ بگذار بوسه زنیم بر شمشیری که در دستان توست

۲ کدام واژه مشخص شده، «استعاره» به شمار می‌آید؟ مفهوم آن را بنویسید.

«ای مسافر دیرین بر روی خار و درد/ای چون ستاره، فروزان»

۳ شاعر، «باران‌ها» و «فصل‌ها» را در کدام مفاهیم نمادین به کار برده است؟

۴ کاربرد مناسب شبکه معنایی، در شعر و نثر، ضمن آنکه به تداعی معانی کمک می‌کند، سبب

زیبایی و دلنشیینی سخن می‌شود و آرایه **«مراعات نظیر»** را پدید می‌آورد؛ مثال:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

سعده

از متن درس، دو نمونه مراعات نظیر بباید.

## قلمه‌و فکری

۱ دریافت خود را از سروده زیر بنویسید.

«تو را جنوب نامیدم / ...../ ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان بَرِین / پیوند خورده‌ای».

۲ در سروده زیر:

«ای سرزمینی کز خاکت/ خوش‌های گندم می‌روید/ و پیامبران بر می‌خیزند».

الف) کدام سرزمین مورد خطاب است؟

ب) مقصود شاعر از مصراحت‌های دوم و سوم چیست؟

۳ از متن درس، مصراحتی را معادل معنایی قسمت مشخص شده بباید.

«تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن / و پیکری در اشتیاق شهادت نامیدم».

۴ قبانی در این بخش از شعرش بر چه نکته‌ای تأکید دارد؟

«ای که ردای حسین بر دوش داری / و خورشید کربلا را در برداری ...»

۵

۱۸۱ - در کدام گزینه، هم واژه «وندی» و هم واژه «وندی- مرکب» به کار رفته است؟

- ۱) به سخن راست نیاید که چه شیرین سخنی
  - ۲) گوشم به راه تا که خبر می‌دهد ز دوست
  - ۳) با من مسکین نگردی یار و جای آن بود
  - ۴) بگذاشتند مارا در دیده آب حسرت
- وین عجبتر که تو شیرینی و من فرهادم  
صاحب خبر بیامد و من بی خبر شدم  
ای لب سیمین بر و سیمین تن و سیمین ذقن  
گریان چو در قیامت چشم گناهکاران

## گنج حکمت مزار شاعر

تیمور لنگ، گاه سوار بر اسبی که لگامی<sup>\*</sup> زرین داشت - سرگرم اندیشه‌های دور و دراز خود -  
از میدان جنگ به گورستان می‌رفت و از اسب پیاده می‌شد و تنها در میان قبرها به گردش  
می‌پرداخت و هر گاه بر مزار یکی از نیاکان خود یا شاعری بزرگ، سرداری دلاور و دانشمندی  
نامدار می‌گذشت، سر فرود می‌آورد و مزار او را می‌بوسید.

تیمور، پس از آنکه شهر توں را گشود، فرمان داد که از کشتار مردم آن دست بردارند؛ زیرا  
فردوسی، شاعر ایرانی، روزگار خود را در آن به سر برده بود. آنگاه تیمور بر سر مزار او شتافت  
و چون جذبه‌ای اسرار آمیز او را به سوی فردوسی می‌کشید، خواست که قبرش را بگشاپند:  
«مزار شاعر غرق در گل بود.»

تیمور در اندیشه شد که پس از مرگ،  
مزار کشورگشایی چون او چگونه خواهد  
بود. پس، از راه قره قورم به سوی تاتار  
آنجا که نیای بزرگش، چنگیز، در معبدی  
آهنهین آرمیده است - روی آورد.

در برابر زائر نامدار که زانو بر زمین زده  
و سر فرود آورده بود، سنگ بزرگی را که بر  
گور فاتح چین نهاده بودند، برداشتند؛ ولی  
تیمور ناگهان بر خود لرزید و روی بگردانید:

«گور ستمگر غرق در خون بود.»

پاکی و قداسته نام و یاد هنرمند و آلدگی دست و روح ظالم  
فرانسوا کوپه

